

طی سال‌های گذشته و با پیشرفت‌هایی که در زمینه هسته‌ای برای ایران به وجود آمده، سیل عظیمی از فیلم‌ها و سریال‌های غربی موضوع خود را به ایران و برنامه‌های هسته‌ای ایران اختصاص داده‌اند.

سریال‌ها و فیلم‌هایی که هر روز و هر ساعت با بمباران مخاطبان خود به ایران هراسی در غرب دامن می‌زنند. از جمله این سریال‌ها، مجموعه پر مخاطب NCIS (Naval Criminal Investigative Service) می‌باشد؛ سریالی که به عنوان یکی از پر بیننده‌ترین سریال‌های آمریکایی در ژانر جنایی و با محوریت سرویس تحقیقات جنایی نیروی دریایی ایالات متحده NCIS بوده و تولید آن از سال ۲۰۰۳ میلادی شروع شده است.



این سریال به عنوان مجموعه‌ای که تمامی مراحل ساخت و پخش آن توسط شبکه‌ی CBS آمریکا صورت گرفته و در حال حاضر فصل یازدهم آن توسط این شبکه پخش می‌شود، تاکنون موفق به دریافت جایزه‌های مختلفی شده است که از جمله آنها می‌توان به سه بار کاندیداتوری برای دریافت **جایزه‌ی امی (Primetime Emmys)** اشاره کرد که این خود گویای قدرتمندی این سریال برای جذب مخاطب است.



سریال NCIS تاکنون بیش از ۲۰ میلیون بیننده در داخل آمریکا داشته است و توسط ۴۱ کشور نیز پخش شده است به گونه‌ای که طبق نظرسنجی‌ها این سریال یکی از پر مخاطب‌ترین و محبوب‌ترین سریال‌ها در میان این ۴۱ کشور بوده است.

از این رو این سریال را می‌توان به عنوان یک سریال تأثیرگذار در نظر گرفت که توانایی ایجاد عقیده و تبیین رویکرد مردم بیش از ۴۱ کشور جهان را برخوردار و افکار و عقاید ایشان را با ضریب نفوذ خود تحت شعاع خود قرار داده است.

عمق نفوذ این سریال در جوامع غربی به نحوی بوده است که اکنون بعد از گذشت بیش از ده سال از شروع به پخش آن، نسخه‌های فرعی متعددی از این سریال توسط شبکه‌های مختلف ساخته و عرضه شده است که از جمله معروف‌ترین آنها می‌توان به سریال NCIS: Los Angeles اشاره نمود.



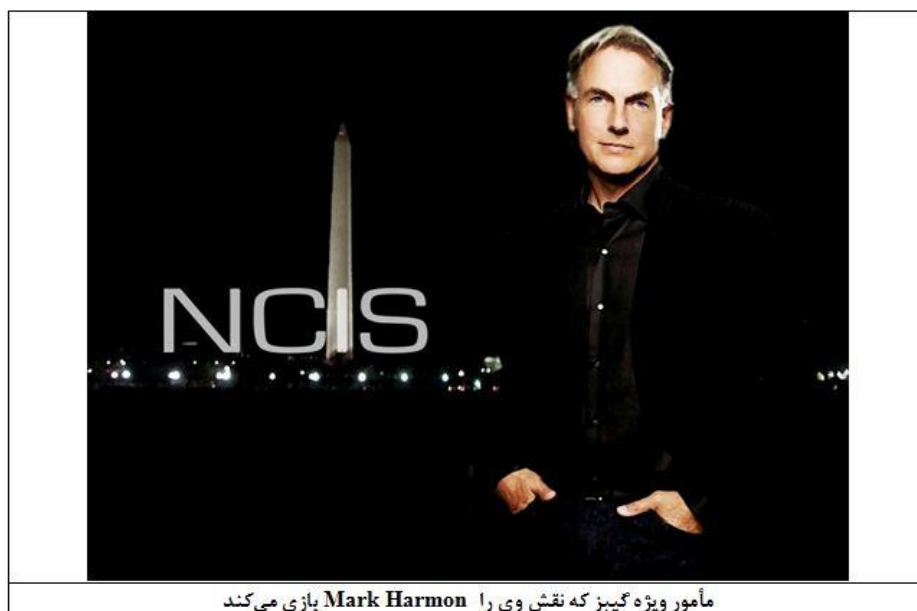
اگر چه این دست سریال‌ها و مینی سریال‌های فرعی خط مشی مشابه با سریال اصلی را دنبال می‌کنند، اما کثرت حضور و دفعات ساخت و نوع و گونه‌های مختلف آن نشان‌دهنده ضریب نفوذ و رغبت عمومی و مخاطب پذیر بودن آن در جامعه است.



داستان سریال تلویزیونی NCIS درباره گروهی متخصص و حرفه‌ای از نمایندگان ویژه است که بازجویی‌ها و پژوهش‌های جنایی را در درون نیروی دریایی ایالات متحده و سازمان‌های وابسته به تفنگداران دریایی ایالات متحده مدیریت می‌کنند.



این سریال نیز همانند بسیاری دیگر از سریال‌های آمریکایی یک قهرمان اصلی دارد که دیگر شخصیت‌های سریال حول شخصیت وی شکل گرفته و به نمایش گذاشته می‌شوند. مأمور ویژه گیبز شخصی خون سرد و آرام است که گذشته مرموز و مبهمی دارد. مردی با تدبیر که سرپرستی گروه NCIS را به عهده دارد.



مأمور ویژه گیبز که نقش وی را Mark Harmon بازی می‌کند

اما شخصیت قابل تامل از اعضای تیم NCIS دختر جوانی به نام **زیوا دیوید** است.

زیوا دیوید به عنوان فردی که اصالتا جاسوس سرویس اطلاعاتی اسرائیل "موساد" بوده علقه ویژه ای به یهود داشته و پدرش نیز رئیس سرویس اطلاعاتی اسرائیل معرفی می شود.

نقش **زیوا دیوید** در NCIS در راستای دکترین یهود تعریف می شود؛ مبتنی بر دکترین دفاعی یهود اصالت با تهدید است. بنابراین یهودیان همواره با نشان دادن تصویری آسیب خورده از خود این گونه به جهانیان القا می کنند که قوم و نژاد یهود در معرض تهدید و حمله هستند.

قسمت دوازدهم از فصل دهم این سریال مانند بسیاری دیگر از قسمت‌های آن دارای عنوانی عبری است؛ نام این قسمت **شیوا (Shiva)** نام دارد.

شیوا (שבועה) در زمان عبری به معنی هفت روز خانه نشینی و عزاداری برای تازه در گذشتگان در فرهنگ یهودی می باشد؛ به این ترتیب شخص عزادار هفت روز را این گونه به عزاداری خانواده‌ی خود می پردازد.



در خط داستانی این قسمت شاهد آن هستیم که رئیس سازمان اطلاعاتی اسرائیل که در اصل پدر **زیوا دیوید** نیز می باشد به شکل مشکوکی به قتل می‌رسد؛ قتلی که شواهد آن را به شخصی به نام **آرش کریمی** که فردی ایرانی است ربط می‌دهد.

اکنون **زیوا دیوید** که پیش از این تمام اعضای خانواده اش به قتل رسیده بودند با به قتل رسیدن پدرش، آخرین عضو خانواده خود را نیز از دست می‌دهد.



به این ترتیب در قسمت دوازدهم از فصل دهم این سریال **زیوا دیوید** از یک سو به دنبال گرفتن انتقام از ایرانی ها به عنوان عامل به قتل رسیدن پدرش است و از سوی دیگر عزادار از دست دادن خانواده‌اش می‌باشد.

شیوا (שבועה) از این جهت به عنوان نام این قسمت برگزیده شده است که به مخاطب آن حس همیشه در مخاطره بودن قوم یهود و یهودیان را القا کند.

حسی که به علت استفاده از کاراکتر های ایرانی در این سریال به عنوان گروه معارض یهودیان به وضوح قابل مشاهده و قضاوت مخاطب را در جهت دهی پیکان این مخاطرات به سمت ایران نشانه می رود.



از آنجا که در یونان قدیم زن را گایا می خواندن زیرا زن را نماد سرزمین و عقیده می دانستند و همچنین در اسلام نیز این قاعده مطرح است به صورتی که در کتاب مقدس مسلمانان قرآن و در آیه ۲۲۳ سوره ی مبارکه بقره بیان می شود **نَسَاؤُكُمْ حَرْثُ لَكُمْ** یعنی زنان شما کشتزار شمایند؛ از این جهت در سینمای جهان زن را نماد عقیده یک جریان و معرف یک سرزمین می دانند.



بر این اساس **زیوا دیوید** به عنوان شخصی که به کمک ایالات متحده آمده و همراه با نیروهای متخصص آمریکایی به حل و فصل معماهای جنایی می پردازد، معرف عقیده صهیونیستی است که به آغوش فرهنگ آمریکایی پناه برده است و برای بقای خود با آن همراه می شود.

در سری مجموعه NCIS همواره مسلمانان به شکل عام و ایرانیان به شکل خاص مورد اتهام قرار می گیرند این اتهامات گاهی شکل و بوی انفرادی به خود می گیرد به گونه ای که گروهی از مسلمانان مسئول حمله تروریستی معرفی می شوند و گاه این اتهامات معطوف به یک دولت یا سازمان اسلامی و حتی ایران می گردد.

این گونه است که سریال NCIS تلاش می کند با به تصویر کشیدن اسلامی تروریستی در جهان پیام این دین الهی را که مبارزه با استکبار و حمایت از مظلومین جهان است زیر سؤال ببرد و این گونه به افکار عمومی جهان القا کند که بیداد خواهی ایرانیان در جهان بر ضد استعمارگری و جنایات اسرائیل یک حرکت ظالمانه و تروریستی است.

از سوی دیگر تلاش یهود بین الملل آن است که اقدامات تروریستی و جنایات اسرائیل را در ذهن مخاطب به عنوان یک اقدام دفاع از خود برای قومی که همواره در تهدید است القا کند.

همسو با این سیاستها اگر چه پیش از این در فصل چهارم از سریال **NCIS: Los Angeles** شاهد مطرح شدن این دست اتهامات درباره غیر صلح آمیز بودن و مشکوک بودن برنامه های هسته ای ایران بوده ایم اما با این همه در فصل یازدهم از سریال NCIS و در قسمت اول آن که اخیراً از شبکه ی CBS آمریکا پخش شده، شاهد تکرار اتهامات دروغین به ایران و نشان دادن تصویری مخدوش از ایران اسلامی می باشیم.



آرش کاظمی شخصی ایرانی که در فصل دهم این سریال به ترور رئیس سازمان اطلاعاتی اسرائیل (موساد) ارتباط داده می‌شود

با این همه تلاش سریال NCIS و به طور کل رسانه‌های غربی تنها محدود به معرفی ایران به عنوان یک خطر هسته ای و عامل تروریسم برای جهان نمی‌شود، بلکه این رسانه‌ها در کنار این جوسازی‌ها تلاش می‌کنند تصویری عقب‌افتاده را از ایران به نمایش بگذارند.

در قسمت یکم از فصل یازدهم سریال NCIS قهرمان اصلی داستان یعنی **سرهنگ گیز** مأموریت می‌یابد در پوشش مأمور DOD برای پیگیری قتل افسری جوان که در ایران مأموریت داشته است و اکنون بعد از به قتل رسیدن، سر جدا شده وی برای امریکا فرستاده شده است، به ایران سفر کند.

در این میان فارغ از داستان‌پردازی تکراری در مورد متهم ساختن ایران به موضوعات هسته ای و تروریسم، نکته‌ی حائز اهمیت تصویری است که این رسانه‌ها از ایران نشان می‌دهند؛ تصویری که نشان‌دهنده دو موضوع اساسی در تفکر رسانه‌های آمریکا است:

نخست آن که رسانه‌های امریکا به دیده وحشت به پیشرفت‌های روزافزون ایران می‌نگرند و برای فرار از وحشت خود و همچنین برای اغوای مخاطب غربی اقدام به نمایش در آوردن تصویری مخدوش از ایران می‌کنند.

و دوم آن که این رسانه‌ها می‌کوشند با عقب‌مانده نشان دادن ایران اسلامی این ترس را در مخاطب خود ایجاد کنند که حتی اگر از طرف ایران و مقامات ایرانی مطرح شود که ایران به دنبال انرژی صلح‌آمیز هسته‌ای است، این شک در دل مخاطب به وجود آید که آیا با این سطح عقب‌افتادگی و ناامنی در ایران می‌شود به این کشور اعتماد کرد تا به فناوری هسته‌ای دست پیدا کند؟

جوزف نای در کتاب قدرت نرم (Soft Power) در تشریح جنگ نرم می‌نویسد: «... وقتی بتوانی دیگران را وادار کنی ایده هایت را بپذیرند و آنچه را بخواهند که تو می‌خواهی، در این صورت مجبور نخواهی بود برای هم جهت کردن آنها با خود، هزینه زیادی صرف سیاست هویج و چماق کنی. اغوا همیشه مؤثرتر از اکراه است و ارزش‌های زیادی مانند دموکراسی، حقوق بشر و فرصت‌های فردی وجود دارند که به شدت اغواکننده اند...»